

دستور الملوك ميرزا رفيعا



بکوشش محمد تقی دانش پزوه

دبیر دانشگاه تهران

-۳-

و رقم نویسان توابع عالی جاه واقعه نویس هشت نفر بر این موجب بوده است :

و رسوم از کل مداخل :

بابت رقم نویس دیوان اعلی و سه نفر دیگر که به کومک او مقرر و سر رشته دار ثبت آزمایش چهار نفر .

بابت رقم نویسانی که در دفتر همایون نموده دفتر ارقام سرکار خاصه را می نویسند و نفر :
بابت [افرادی] که حسب الصلاح مشارالیه خدمت می نمودند دو نفر .

بر آوردی بیگمار بیگمیان و امراء کل و جزو ممالک محروسه که تعیین می نمودند و از تیول و تعیین مواجب و همه ساله و انعام و حق السعی از قرار تومانی دویست دینار در وجه او مقرر بود که باز یافت می نمود .

فصل سیزدهم از باب دوم در بیان شغل عالی جاه مستوفی الممالک است . مشارالیه از جمله امراء و شغل و عمل او آنست که تمامت مالیات دیوانی کل ممالک محروسه را که عمال داد و ستد می نمایند باید که از قرار نسخجاتی باشد که از دفتر نویسند و به عمال هر ولایت دهند که مستند خود ساخته از آن قرار داد و ستد نمایند . و تمامی تیولات و [مواجب] سایر عساکر منصوره از هر طایفه و وظایف و سیورغالات و معافیات و مسالمتیات و اقطاع تملیک و اجارات و تخفیف تصدق و آنچه بهر اسم و رسم و هر صیغه به هر کس داده شود و یا از هر کس گرفته شود ، و در آن ابواب ارقام و احکام و تعلیقجات و کیفیتات و هر گونه سند و

نوشته که از دفاتر دیوان اعلیٰ گذرد باید به خط و مهر عالی‌جاه مشارالیه برسد. و بدون نوشته و اطلاع مشارالیه هیچ سندی در دفاتر دیوانی ثبت و معمول نمی‌شود. و از وجوهات جمعی سرکار خاصه و ارباب تحویل که دفاتر و مستوقی و محرران آنها علی‌حده است آنچه عالی‌جاه مشارالیه حقیقت طلب نماید باید به عرض او رسانند. و آنچه از طلب و تنخواه عساکر و غیره رسد به آنها باید تنخواه دهند.

و ارقام و احکام خدمت و طلب تنخواه و ملازمت کل ولات عظام و بیگلربیگیان و حکام و سلاطین و وزراء و مستوفیان و سایر عساکر و طلب و تنخواه ایشان خواه دیوانی و خاصه و خواه از ارباب التحویل تنخواه او گذشته باشد سوای ارقام وزراء و مستوفیان محال خاصه و ارقام و وظایف و مدد معاش و مقرری سرکار خاصه که مشتبه است تتمه به مهر مشارالیه باید برسد. و محرران سرکار خاصه که ریش سفید است به غیر از عالی‌جاه مستوفی الممالک نداشته‌اند.

و سیصد تومان و کسری به صیغه رسم الاستیفاء، و برین موجب رسوم در وجه مستوفی الممالک مقرر است.

از بابت تیول و همه ساله امرا و آقایان و مقرّبان از قرار تومانی: تیول چهل و پنج دینار، همه ساله سی دینار، براتی پانزده دینار. و برای اتمام امور و اوقاع تملیک و انعام امرا و جمعی که ملازم باشند نود دینار.

از بابت رسم الحساب از قرار تومانی سی دینار.

از بابت اجارات از قرار تومانی صد دینار.

و در مجلس بهشت آیین طرف دست راست قبله عالمیان بعد از عالی‌جاه توپ چینی باشی می‌نشیند.

فصل چهاردهم از باب دوم در بیان شغل عالی‌جاه مقرّب الخاقان حکیم باشی است.

مشارالیه از جمله مقرّبان و ریش سفید طبای سرکار خاصه شریفه و انیس و جلیس پادشاهان

بود. و درازمنه سابقه در رقم منصب او حکیم نوشته می شد. و در مجلس پائین دست جمعی از مقربان می نشست. در زمان نواب طوبی آشیان لفظ باشی اضافه شد. و بعد از آن ملقب به لقب مقرب الخاقان گردید، و در زمان شاه سلطان حسین عالی جاه. و حسب الامر مقرر شد که در مجلس بعد از مستوفی الممالک بنشیند.

شغل او اینکه باید هر روز صبح و عصر به درب دراتخانه مبارکه حاضر شود، و طبابت ذات اقدس و وجود مقدس مختص او بود. و ترتیب ادویه و اشربه و ساختن معاجین و ترکیب حبوبات و سفوفات و غیرهم مختص مشارالیه.

و هم چنین سایر اطباء سوای حکیم حرم بر طبق عرض و تجویز مشارالیه می بود. و موجب و همه ساله و قبول ایشان بر طبق تجویز او که به رقم وزیر دیوان اعلی می رسید از دفاتر می گذشت.

و طبابت اهل حرم محترم علییه عالییه مختص حکیم حرم است. و طبابت خواجه سرایان و غلامان خاصه و غیرهم با سایر اطباء است.

و عطار باشی سرکار خاصه شریفه از جمله توابع عالی جاه مشارالیه است. و منع غیر ملازم از شغل طبابت هرگاه بی وقوف باشند متعلق به اوست. و اگر طبیبی به جهت بیگلبیگیان و سلاطین می خواستند بفرستند یا به اتفاق سپهسالار یا سرداری روانه نمایند به تعیین و تجویز مشارالیه روانه می نمودند. و به موجب نسخه ای که اطباء مزبور به جهت خادمان حرم محترم علییه عالییه و خواجه سرایان و غلامان می نوشتند و مهر می نمودند. دوا را عطار باشی می داد. و غذا را صاحب جمعان بیوتات به مناسبت ترتیب داده، ناظر بیوتات به خرج آنها مجری می داشت.

و اطباء زمان شاه سلطان حسین سوای میرزا رحیم حکیم باشی سابق که مبلغ سیصد و چهل و یک تومان^۱ موجب و همه ساله داشته، موازی شصت و هشت نفر ملازم دیوان، و یک هزار و هفتصد و نود و نه [تومان و شش هزار و سیصد و شصت و] شش

۱ - چهارصد تومان (تذکره ۲۰).

دینار^۱ در وجه اطباء مزبوره از همه ساله و تنخواه براتی مقرر بود .

فصل پانزدهم از باب دوم در بیان شغل عالی جاه مقرب الخاقان امیر آخورباشی صحرا . خدمت او اینکه سال بسال به اتفاق ناظر دواب و مشرف ایلخی عرض ایلخیان سرکار خاصه شریفه و نتاج آنها را ملاحظه نموده ، طومار و نسخهء عرض به خط مشرف ایلخی درست داشته به سرکار ارباب التحاویل رساند . و علیق و ضروریات ایلخیا بدستور معمول از قرار برآورد مشرف ایلخها که به تصدیق و تجویز امیر آخورباشی می رسد ناظر دواب از بابت محصولات محال همه ساله ایلخی تنخواه می داد .

و ضبط و نسق قورقات سرکار خاصه نسبت به او دارد و تعیین امیر آخوران و بلوک باشیان و مهتران و غیره عمله ایلخی منوط به تصدیق ناظر دواب و تجویز مقرب الخاقان مشارالیه است .

و مقرر شده بود که هر میر آخوری که پنجاه رأس و بیشتر مادیان تحویل داد ، و هر ساله از قرار صد رأس شصت رأس نتاج موافق معمول قدیم به تغای رساند ، مرسوم آن سال امیر آخور و عمله او را تنخواه دهند .

و برآوردی تیول او یکصد و بیست و هفت تومان و پنجهزار و پانصد و هفتاد دینار می شده . و سندی از دفتر در این باب بنظر نرسیده که رسومی داشته .

و در مجلس بهشت آیین در دست چپ پادشاه باناج طومار بعد از معیر الممالک می نشیند . باب سیم در بیان شغل هر یک از مقربان بساط که لفظ مقرب الخاقان و عالی جاه مختص ایشانست و آن مشتمل بر سه مقاله :

و مقاله اول در ذکر شغل خواجه سرایان سیاه و سفید که به سبب زیادتی تقرب و رتبه در قم و غیره ایشان را مقرب الخاقان می نوشتند و مجلس نشین . و این مشتمل است بر پنج فصل .

فصل اول در بیان مقرب الخاقان ریش سفید حرم است . دراز منه سابقه صفویه

۱- یک هزار و هفتصد و نود و شش تومان و شش هزار و سیصد و شصت و شش دینار (تذکره ۲۰) .

خواجه سرای سفید نبوده و از خواجه سرایان سیاه هر کدام که عاقل و بزرگتر و به خدمت پادشاه لایق تر بودند ایشان را ریش سفید خواهیهای حرم می نمودند . و امروزه نهی کل خواهیهای سیاه با ریش سفید و سرکرده مزبور بوده .

عرایض و فصولی که امراء در خانه یا امراء سرحدات و والیان و وزراء و مستوفیان و غیرهم نزد ایشیک آقاسی باشیان یا امراء در خانه می فرستاده اند که به خدمت اقدس رسانند، اولاً عرایض بدست ایشیک آقاسی باشی حرم محترم که کشیکخانه معینی دارد داده می شد، و ایشیک آقاسی حرم به ریش سفید خواهیهای حرم می داد . مشارالیه در اندرون حرم به نظر پادشاه رسانیده جواب بیرون می آورده ، امرا را در کشیکخانه ایشیک آقاسی باشی طلبیده خود می گفته که پادشاه در جواب عریضه چه نحو مقرر فرمود .

در زمان گیتیستان دونفر بوده اند :

یکی ریش سفید جلو که در سفر و حضر در خدمات مزبوره به نخوی که نوشته شده بود قیام می نمود .

و یکی ریش سفید حرم اصفهان که بعد از آنی که پادشاه متوجه اسفار می شده او امروزه نهی اندرون حرم و در خانه می نمود . و حاکم و داروغه [و] وزیر [و] مستوفی و سایر عمال معتمد اصفهان بایست در امور حسابیه که او رجوع نماید مخالفت نمایند .

مبلغ پانصد و هشتاد و چهار تومان و شش هزار و پانصد و پنجاه و دو دینار بر آوردی تیون آقا مخلص بوده . و شمع و چراغ و جیره از بیوتات معموره در وجه مشارالیه مقرر بود .

فصل دوم مقرب الخاقان مهتر رکاب خانه. [و] از خواجه سرایان سفید و معتبر است . و هزار پیشه با خود می داشته که مشتمل است بر اسباب و آلات جزئی مثل دستمال و شانیه و مقراض و ناخن گیر حتی ارّه و سرهان و غیره ، و همیشه حاضر می داشته . و مبلغ مواجب و تیون در وجه او مقرر بود و شمع و چراغ و جیره نیز از بیوتات معموره داده می شد .

فصل سیم جباردارباشی . در زمان سلاطین سلف با مقربان قزلباش بوده ، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین به خواجهای سفید تفویض نمودند . اولاً محمود آقا مدتی جباردارباشی بود ، وثانیاً به خدمت نظارت بیوتات سرافراز . و [بعد] از آنکه فوت شد جباردار باشیگری به اسمعیل آقای خواجه سفید مفوض : و نظارت باز به قزلباش مرجوع گردید . و مشارالیه ریش سفید کل عمده قورخانه است . و تعیین و تغییر و حضور و غیبت ایشان به تصدیق اوست .

و موجب ایشان از قرار طومار سابق که ناظر ملاحظه و صاحب جمع تصدیق می نمود و به رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی می رسید ، تنخواه داده می شد . و مشرف علی حده دارد . و هم چنین تعیین جبارداران جباخانهای قلاع و سایر ولایات با جباردارباشی است . و مبلغ سیصد و پنجاه تومان برآوردی تیول است . و جیره در وجه او مقرر بود که از بیوتات معموره داده می شد . و رسومات او بدین موجب است :

از بابت ابتیاع و انفاذ صد تومان ده تومان .

ناظر یکک تومان .

مستوفی از باب تحویل یکک تومان .

مشرف دو تومان و شش هزار و ششصد و شصت و شش دینار .

صاحب جمع پنج تومان و سه هزار و سیصد و سی و سه دینار .

از بابت آنچه به انعام ده یکک و از پیشکش ده نیم بازیافت . و برین موجب می شود :

ناظر نهصد دینار .

مستوفی نهصد دینار .

صاحب جمع سه هزار و سیصد دینار .

مشرف یک هزار و هشتصد دینار .

عزبان یک هزار و هشتصد دینار .

کلیددار و دوشالکچی هزار دینار .

از بابت آنچه به تنخواه مواجب دهند و ده نیم گیرند بدین موجب :

ناظر یکهزار دینار .

مستوفی ارباب تحویل نهصد دینار .

صاحب جمع سه هزار و نهصد و سی و سه دینار .

مشرف یکهزار و نهصد و شصت و شش دینار و چهار دنگ .

عزبان یکهزار و ششصد و بیست دینار .

کلیددار سیصد و سی دینار .

پیشخدمت دویست و پنجاه دینار .

فصل چهارم مقربان الخاقان صاحب جمع خزانة عامره . مشارالیه خواه سرای

سیاه و معتبر بود که در قدر و اعتبار برابری با ریش سفید حرم محترم می نمود ، و آن قدر وجوهات ممالک محروسه که به جهت انفاذی خزانة عامره مقرر بود و هر یک از اعمال و حکام و مباشرین مالیات دیوانی تأخیر در انفاذ خزینة عامره می نمودند ، صاحب جمع خزانة از توابعین محصل تعیین و به ولایت فرستاده ، وصول و ابواب جمع می نمودند .

و در اواخر در زمان شیخ علی خان این امر احداث شد که صاحب جمع محصل تعیین

نماید . سابق بر این دستور نبود و این هم مستمر نشد .

و آنچه انفس اجناس است نیز خواه از جواهر و اقمشه نفیسه و زربفت و سمور و

خواه از سایر اجناس باشد به تحویل صاحب جمع خزانة عامره مقرر می شده . و بعضی اوقات

ریش سفیدی حرم و صاحب جمعی خزانة به یکی مرجوع بوده ، و مشارالیه ریش سفید عملاء

خزانة از پیش خدمت و عزبان و کلیددار و صرافست . و مواجب آنها به تصدیق ریش سفید

و تجویز بیوتات از دفتر می گذشت . و به شرح ضمن مشارالیه و عمله و کلیددار و غیره مواجب

و رسوم داشته اند .

مقرب الخاقان صاحب جمع خزانة عامره :

مواجب نقد اجناس از بابت محال اصنمهان و رار و مزدج و فارس هفتصد و بیست و

پنج تومان و هفت هزار و دویست و بیست و دو دینار .

رسومات دفعه موافق نسخه معروضه زمان نواب رضوان مکان .

از بابت ده نیم پیشکش و ده یکک انعام یکتومان و سه هزار دینار .

از بابت ده نیم ایتیماع یکتومان و پنجهزار و سیصد و سی و سه دینار و دو دانگک .

از بابت ده نیم جنسی که به موجب دهند یکتومان و سه هزار دینار .

دفعه از آنچه از خزانه عامره به موجب دهند هزار دینار .

رسوم هجده دینار .

رسد صاحب جمع دوازده دینار .

دفعه از کرک یراقی صد یکک .

کلیددار و پیش خدمتان و عزبان : کلیددار و پیش خدمتان . موجب . از بابت

وجه کلیددار . بابت پیش خدمتان . رسومات .

دفعه از بابت انعام و خلعت و پیشکش که از مبلغ یکتومان تبریزی دو هزار و چهار صد

دینار در وجه ایشان مقرر است .

از بابت انعام و خلعت که ده یکک بازیافت می شود .

از بابت پیش کش که ده نیم بازیافت نموده می شود .

دفعه از بابت موجب عساکر منصوره و مرسوم .

از بابت موجب و مرسوم که نقد داده می شود از مبلغ یکتومان ده دینار بازیافت

و از آن جمله در جزو به قرار تومانی به ایشان داده می شود چهار دینار .

از بابت اجناس براتی که ده نیم بازیافت و از مبلغ یکتومان رسوم که جمع شود بعد از

وضع ده یکک که در جزو به عالی جاه ناظر داده می شود مبلغ دو هزار و یکصد و شصت

دینار ایشانست .

عزبان موجب رسومات

از بابت انعام و خلعت و پیش کش از مبلغ یکتومان که جمع شود ششصد دینار در وجه

ایشان مقرر است .

از بابت براتی که ده نیم باز یافت می‌شود. و از مبلغ یکتومان که جمع شود پانصد و چهل دینار وزن ایشانست.

و در سنوات یکنفر نویسنده در دیوان ملازم، و سی تومان مواجب در وجه او مقرر بود که بنویسندگی صاحب جمع خزانة قیام نماید. و جیره هم صاحب جمع مزبور داشت.

فصل پنجم مقرب الخاقان لله غلامان خاصه و غلامان انباری. قبل از این یکی بود و آنها را تربیت می‌نمود و معلم مخصوصی نیز به جهت ایشان تعیین می‌شد. بعد از آنکه ملتحق می‌شدند داخل یوزده و توابین قوللر آقاسی می‌گشتند. و مواجب به جهت ایشان تعیین می‌نمودند که خدمت نمایند: مبلغ پنجاه تومان مواجب و ششماهه تیول داشته که تخمیناً صد تومان می‌شده. در ثانی الحال به جهت هر یک از غلامان خاصه و انباری لله علی حده تعیین شد.

مقاله دوم از باب دوم در ذکر شغل خواجه سرایان سفید که به جهت تقریب و رتبه یوزباشیگری عالی‌جاه می‌نویسند. و این مشتمل است بر دو فصل:

فصل اول عالی‌جاه یوزباشی غلامان سفید است که ابراهیم آقا بود و به امر و نهی و تربیت آنها قیام می‌نمود و کمال اعتبار،

و دو یست تومان تیول داشت که بر آوردی آن چهار صد و سی تومان و هشت هزار و نه صد و یازده دینار می‌شد. و جیره و شمع و چراغ از بیوتات در وجه او مقرر بود.

فصل دوم عالی‌جاه یوزباشی خواجه سرایان سیاه که قبل از این الیاس آقا بود و شرح او به شرح یوزباشی غلامان سفید است. و در زمان سابق یوزباشیان سفید یکی بوده که یوسف آقای بزرگ باشد، و قدیمی او بود. تا اینکه الیاس آقا ملتحق شد. و یوزباشی دیگر که خسرو آقا و ابراهیم آقا باشند احداث بودند. و یوزباشی قدیم قبل از زمان شاه سلطان حسین معتبر بوده. خواجه سرایان سفید و سیاه و جزایریان و قورقچیان و نسقچیان خواجه سرای و فیل بانان و غیره تا بین او بوده‌اند.

و دو یست تومان مواجب و ششماهه تیول بر آوردی داشته که چهار صد و شصت و

شش تومان و پنجهزار و هفتصد و شصت و چهار دینار می شود . و جیره و شمع و چراغ از بیوتات در وجه او مقرر بود .

مقاله سیم از باب سیم در بیان شغل مقربان بساط اقدس که در خدمت پادشاه معتبر ، و ایشان را مقرب الخاقان بدون عالی جاه می نوشتند ، و از مجلس نشینان محفل بهشت آیین بودند ، سوای مقرب الخاقان ایشیک آقاسی باشی حرم ، و مقرب الخاقان مهردار میهر شرف نفاذ ، و مقرب الخاقان توشمال باشی که از ایستادگان مجلس بهشت آیین بودند . و شغل مشارالیم نیز ذکر شد . و این مقاله محتوی بر یازده فصل است :

فصل اول در ذکر مقرب الخاقان ایشیک آقاسی باشی حرم محترم علیه عالیه است همیشه این خدمت باچوله بوده ، و هر که پیرو قدیمی و به صفت صلاح و سداد آراسته بوده مرجوع می فرموده اند . و شغل او اینکه نظم و نسق درب حرم محترم به عهده او و توابع او بود . شب و روز بایست در درب حرم در کشیکخانه خود حاضر باشد . و شبهای جمعه مرخص بود که بخانه خود رفته صبح معاودت کند . قاپوچیان و ایشیک آقاسیان حرم تابع و تابعین او بودند و به نوبه به کشیک درب حرم حاضر می گردیدند .

و در اسفاری که حرم همراه بود مشارالیه و توابع او به اتفاق ایشیک آقاسی باشی دیوان در عرض راه به خدمت قورق و غیره قیام می نمودند .

و آنچه به صیغه پیشکش و نذورات به جهت پادشاه می آوردند ، و آنچه اهل حرم به عنوان مباحه معامله می کردند روزنامه درست داشته ضبط می کرد . و تصدیق خدمت و مواجب توابع مزبور با مشارالیه بود .

و مبلغ چهارصد تومان مواجب و ششماهه تیول داشت که برآوردی آن ششصد و سیزده تومان و چهار هزار و ششصد و شصت و سه دینار می شد .

فصل دوم در ذکر مقرب الخاقان خلیفه الخلفاء است که در زمان نواب علین آشیان شاه اسماعیل که مرشد طالبان بوده چون مشاغل سلطنت مانع ارشاد مریدان بوده ؛

خلیفه تعیین فرموده بودند که در توحیدخانه^۱ مبارکه به نهایت مرشد کامل به هدایت و ارشاد صوفیان و طالبان قیام نماید .

و شغل او آنست که در توحیدخانه مبارکه صوفیان را تعلیم ذکر جلی و خفی و آداب طریق نموده ، امر به معروف و نهی از منکر نماید . و خلیفه و مرشدی که به جهت ایالات و احشامات ولایات به جهت ارشاد خلائق و امر به معروف و نهی از منکر تعیین شود مادام که مشارالیه به تجویز و تعلیقه نماید و بنده درگاه نکند شجره خلافت داده نمی شود . و تاج را که نشان کسوت شیخ صفی الدین است . یا پادشاه که از آن سلسله است یا خلیفه الخلفاء که نایب اوست بایست بر سر کسی بگذرانند ، و احدی پیش خود نمی توانست که به این کسوت در آید .

و تعیین عملاً توحیدخانها^۱ نیز به تصدیق و تجویز او بوده . و به مصرف رسانیدن طعام و حلوا و شمع چراغ توحیدخانه و ضبط نذورات در سفر و حضر در عهده اوست . و دستور بود که صوفیان هر عصر به توحیدخانه حاضر شده مشغول ذکر شوند . و عصر روز پنجشنبه امراء و بیگلر بیگیان و خوانین و سلاطین و عمال هر ولایت که به پوشیدن تاج سرافرازی یافته باشند^۲ تاج بی جیقه و طومار بر سر گذاشته ، داخل توحیدخانه گردیده به قرائت سوره فاتحه الکتاب اتیان نمایند . و معمول بود که هر یک از خوانین و سلاطین و بیگلر بیگیان و عمال و غیرهم که به خدمت سرافراز می شدند . مبالغی نقد به صیغه نذر و شیرینی به توحیدخانه فرستاده ، دویست دینار از آن وجه را تیمناً به خدمت پادشاه می فرستادند . و تتمه فیمابین صوفیان تقسیم می شد .

و در اسفار نیز چادر توحیدخانه و فرش و سایر مایحتاج ضروریه را از طعام و حلوا و غیره ناظران بیوتات از سرکار خاصه شریفه تدارک نموده ، صوفیان به دستور مقرر هر روز عصر مشغول ذکر و فاتحه خوانی می شدند . و در مجلس بدستور امراء تاج و طومار بسر می گذاشتند .

۱ - ذیل تاریخ عالم آرای ص ۱۴۵ - تذکرة الملوك ۱۸ . ۲ - عالم آرای فهرست نکات تاریخی

و اکثر اوقات خلافت به حکام قراچه داغ بود ، نهایت در اواخر زمان شاه سلطان حسین به دیگران هم مفوض می شد .

و مبلغ یکصد تومان مواجب و تیول داشته که بر آوردی تیول و همه ساله و طلب دفتری دو بیست [و] هشت می شد .

و در مجلس بهشت آیین طرف دست راست پادشاه بعد از عالی جاه حکیم باشی می نشست .

فصل سیم در بیان شغل مقرب الخاقان منجم باشی . مشارالیه از جمله مقربان و

محرمان و مرخص بود که در اکثر مجالس خلوت بدون عرض و رخصت حاضر شود . که اگر پادشاه و امراء و ارکان دولت را ساعتی احتیاج افتد تعیین نماید .

و اکثر اموری که از پادشاه صادر می گردید بایست مشارالیه یادداشت و ضبط و هنگام ضرورت عرض کند .

و تشخیص مسافت منازل و ارتفاع مرتفعات و مساحت [املاک] و باغات و بیوتات نیز با مشارالیه بود که یادداشت و ضبط نماید .

و هر ساله استخراج طالع تحویل مولود پادشاهرا کرده به عرض می رسانید . و در آن وقت پادشاه بیرون آمده امراء و ارکان دولت و مقربان و ملازمان هر یکک به قدر رتبه و منصب خود و جهی به جهت تصدق و نثار پادشاه می آوردند . و بعضی از آن وجهرا تسلیم منجم باشی می نمودند که بهار باب استحقاق رساند . و لباسی که در وقت مولود پادشاه پوشیده بود به خلعت منجم باشی شفقت می شد .

و هرگاه کسوف و خسوف واقع می شد بهمین دستور معمول می داشتند .

و منجم باشی آنچه از زایچه طالع احوال و طالع تحویل مولود پادشاه از احوال و اوضاع استنباط می نمود به عرض می رسانید .

و هرگاه منصبی یا خدمتی به احدی شفقت می شد منجم باشی حسب فرمان به جهت پای بوس و دخل در آن شغل ساعت تعیین و عرض . و بعد از رخصت پادشاه در آن وقت آن شخص را اعلام نموده حاضر می ساختند . بعد از تفویض شغل و منصب به جهت مبارکی

آن خدمت فاتحه می خوانند . و هم چنین در تحویل مولود فاتحه مختص او بود .
و به جهت سایر امور نیز حسب المقرر تعیین ساعت کرده به دستور وقت را
به عرض می رسانید .

و هرگاه منجمی تعیین و ملازم می شد به اطلاع منجم باشی بوده .
و سابق بر این یک نفر از منجمین به خدمات حرم محترم مقرر می بود . و از جمله خدمات
منجم حرم محترم آنکه اگر مولودی بهمرسیده به اعلام ریش سفید حرم وقت ولادت را
ضبط می کرده . و ساعاتی که اهل حرم را ضرور می شد منجم مزبور ملاحظه و به ریش سفید
اعلام می نمود .

و هر ساله اعمال استخراج و مقابله و تصحیح و [... را] تسلیم منجم باشی کرده مومی الیه
از دلایل استنباط احکام سال و ماه و تقویمی تمام نموده به نظر پادشاه می رسانید . و در لیالی
ماه مبارک رمضان هر وقت را که پادشاه به جهت نقاره سحر تعیین می فرمود منجم باشی و
سایر منجمین به نوبه و کشیک بیای نقاره خانه حاضر شده به اخبار ایشان نقاره می زدند .
و در شب غره هر ماه منجم باشی استهلال و چگونگی را عرض می نمود .

و القاب منجم باشیانرا که در ارقام و احکام ایشان ملاحظه شد مقرب الخاقان
بطلمیوس الزمانی ملک المنجمین میرزا فلان منجم می نوشته اند . و لفظ باشی در ارقام
هیچ یک به نظر نرسیده که داشته باشد ، نهایت در السنه و افواه به منجم باشی شهرت دارد .
و مبلغ دوست و هفت تومان و پانصد و سی دینار و دودنگ بر آوردی تیول در وجه
ایشان مقرر بوده .

و در مجلس بهشت آیین بی تاج و طومار بعد از خلیفه الخلفاء می نشسته اند .

**فصل چهارم در بیان شغل مقرب الخاقان مهردار مهرهمایون که نقش آن « ثبت
مهرهمایون » است ، و در نزد مشارالیه می باشد .**

شغل او آنکه تیول ناجات امراء و حکام و ارقام و احکام و پروانجات وزارت و
کلاتتری و استیفاء و جمعی که داخل عمل می باشند ، و سیورغالات و معافیات و مسلمیات

واقطاع تملیک که بعد از ثبت دفاتر و طغرای واقعه نویس ، اگر از سرکار دیوان گذشته بود ، به او می رسید ، و او اخر سطر عنوان ضمن هر یک را به مهر مزبور مهر می نمود . اینگونه احکام کمتر می گذشت .

و مشارالیه رسوم خود را باز از قرار تصدیق دفتری باز یافت می کرد . و هر سه سال یک مرتبه مبلغ سی تومان تبریزی به صیغه قیمت بند مهر تنخواه از دفتر می گذشت . و از تیول و همه ساله امرا و سیورغالات در سال اول یک مرتبه و بعد از آن در هر سه سال یک دفعه دوشلک می گرفت . و هر روز یک نان از چورکخانه خاصه به مهر داران سابق در قدیم الایام می داده اند .

و در مجلس هشت آیین مهر مزبور را حمایل می نمود ، و در دست چپ بعد از عالی جاه مزبور مجلس نویس با تاج و طومار می نشست .

و تفصیل رسومات او بر این موجب ، و بنظر نرسید که مواجبی داشته باشد :

از بابت تیول امراء از قرار تومانی دویست و شصت دینار .

از بابت همه ساله امراء به قرار تومانی یکصد و هفتاد و سه دینار و دو دنگ .

از بابت تنخواه برائی به قرار تومانی هشتاد و چهار دینار [و] چهار دنگ .

از بابت امراء و جمعی که ملازم نباشند و مواجب و حق السعی عمالی واقطاع تملیک و

سیورغال و معافی پانصد و بیست دینار .

فصل پنجم مقرب الخاقان مهرداد مهر شرف نفاذ . شغل مشارالیه آنست که

تیولناجات امراء و پروانجات وزارت و استیفاء و کلانتری و جمعی که داخل عمال باشند بدستور

شرح مهرداد مهر همیون بعد از ثبت دفاتر و طغرای عالی جاه مجلس نویس و یا مقرب الخاقان

منشی الممالک به مناسبت به او می رسیده ، ابتداء سطر عنوان ضمن ارقام و احکام را در برابر

مهر همایون به مهر کوچک شرف نفاذ مهر می نمود .

و چنانچه صاحبان احکام و ارقام تیولناجات و پروانجات مذکور ا به جهت مدافعه

رسوم مقرر به مهر مهردادان نمی داده اند ، مهردادان رسوم مقرری خود را از سر رشته

دفاتر توجیه دیوان اعلیٰ مشخص و معین و به نظم سرکار ضابطه داده، عوض از دفتر بازیافت. و اگر ارباب رسوم نیز رسومات خود را به قلم سرکار مزبور داده، در آن سرکار داد و ستد می نمودند. و بعد از آنکه اصل سرکار دیوان می گردید، عوض از هر دو گنجی استدعاء می نمودند، بعد از کیفیت دفتری و رقم وزیر دیوان اعلیٰ از دفتر تنخواه می گرفتند. و معمول چنین بود که آنچه از رسومات مزبوره اصل می شد عوض به صاحب رسوم داده نمی شد.

و رسوم مهردادان مزبور در سال اول برین موجب است:

از بابت همه ساله امرا که در حین تعیین می گرفته.

دفعه به صیغه قرار موجب سیصد و پانزده دینار.

دفعه به صیغه هر ساله صد و هفتاد و پنج دینار.

از بابت تیول امراء و قرار موجب که از قدر همه ساله بر آورده می شده و موجب و حق السعی عمال سیصد و پانزده دینار.

و بنظر نرسید که موجب دیوانی داشته باشد. و در سنوات بعد بدستور مهرداد مهر همایون دوشلک مجددی ندارد.

و در مجلس باتاج طومار بعد از قورچی شمشیر می ایستاد.

فصل ششم مقرب الخاقان مستوفی سرکار خاصه. شغل او اینست که سر رشته مالوجها و وجوهات محال اصفهان و گیلانات و مازندران و کاشان و بندر و یزد و بعضی از وجوهات سایر ولایات و وجوه جزیه آرامنه و تنباکو فروشی و راهداری و هوائی گوسفند اصفهان و وجوه عشور و خروج بنادر مبارکه و وجوه ضرابخانه مالک محروسه و پیشکش کلانتران و دوشلک و پیشکشهای مقرر و سایر وجوهات جمعی سرکار خاصه شریفه و تنقیح محاسبه مؤدیان آن سرکار با اوست. و موجب و رسوم او و کتاب سرکار مزبور بر این موجب است:

مستوفی: موجب چهل تومان، بر آوردی هفتاد و شش تومان و چهار هزار و ششصد دینار.

رسوم بابت رسوم محلی از گیلاانات و اصفهان به قید رسوم اوراچه نویسی .
نقد بیست و یک تومان و پنج هزار . جنس به وزن سابق اصفهان دو هزار و یکصد و
بیست و نه من [گندم] که بدستور مستوفی الممالک از وجوهات سرکار خاصه می گیرد .
دفعه از امراء و مقربان و آقایان از قرار تومانی تیول همه ساله، برای چهل و پنج دینار ،
طرح سی دینار، برای پانزده دینار .

دفعه از امراء و جمعی که ملازم نباشند و سیورغال و معافی و مواجب و حق السعی عمال
از قرار تومانی نود دینار .

دفعه از اجارات از قرار تومانی یکصد دینار .

دفعه رسم الحساب از قرار تومانی چهل [و] پنج دینار .

رسد مشارالیه سی دینار .

کتاب پنج نفر که مرسومی در وجه ایشان مقرر نبوده .

و در مجلس بهشت آیین طرف دست راست با تاج و طومار بعد از حاکم اردبیل می نشست .

و تعیین اوراچه نویسی در سرکار خاصه شریفه معمول نبود . و مقرب الخاقان

مشارالیه فی الحقیقه خود اوراچه نویسی بود، و مبلغی رسوم به قید اوراچه نویسی در وجه

او مقرر بود . و در زمان شاه سلطان حسین بر طبق عرض محمد مؤمن خان اعتمادالدوله

اوراچه نویسی احداث و به میرزا محمد علی دو اتدار او مرجوع گردید . بیست و هفت

تومان مواجب دو نفر از محرر سرکار مزبور در وجه مشارالیه مقرر شد .

فصل هفتم در بیان شغل مقرب الخاقان معیر الممالک . شغل او آنست که ریش

و کار فرمای جمیع عملاء ضرابخانه های ممالک محروسه است . و نصب و عزل ایشانست منوط

به تصدیق و تجویز او . و به کمال رسانیدن عیار طلا و نقره که به ضرابخانه آورند اعم از آنکه

به جهات زر یا برای زرکشی باشد مختص به اوست . و حسب الرقم مقرر است که ضابطان

و مستأجران و عماله و فعلاء ضرابخانه ممالک محروسه و زرکشان و زرگران و صرافان و زرکوبان

و مسگران بدون اطلاع و وقوف معیر الممالک و گماشته او داد و ستد طلا و نقره ننموده .

ضابطان و مستأجران و کل عمده^{۲۳} ضربانخانههای [ممالک محروسه] خود را به نصب او منصوب و به عزل او معزول دانند، سوای ضرب آب باشی و صراف باشی که نصب و عزل ایشان با پادشاه است. و در حضور نایب او و نایب شیخ الاسلام و قاضی و وزیر و کلانتر و محتسب فروش را ایتباع و نقره و طلا را به قیمت واقعی خریداری نموده یکسر موکم نمایند. و روزی که زر سکه می نمایند به اتفاق سر کیسه را گشوده بعد از مسکوک نمودن بدستور کیسههای سکه طلا و نقره را که بازخواست عیار آنها با معیر الممالک است نایب معیر مهر می کند و کیسه زر سیاه را نایب وزیر و کلانتر و محتسب مهر می کند. و اگر شخصی که زر سکه می کند بی حضور جماعت مزبوره سکه نموده باشد، [و] معیر و نایب او را تنبیه نمایند؛ موجب بازخواست از ایشان خواهد بود. و قبل از اینکه خاک کنه . (۲۲) و شانزده یکت حاصل و خاک خلاص طلا به رسوم معیر برقرار مانده است .

و به نظر نرسیده که موجب داشته باشد .

و در مجلس بهشت آیین بعد از مهر دار مهر همایون می نشست .

فصل هشتم در بیان شغل مقرب الخاقان منشی الممالک است . شغل مشارالیه

سوای تحریر ارقام که تعلق به عالی جاه و اقعه نویس دارد ، و دیگر جمیع احکامی که منشیان دارالانشاء بعضی را به مسوده^{۲۴} دفتری [و] بعضی را به مسوده^{۲۵} منشی الممالک می نوشتند و از دفتر خانه^{۲۶} همیون می گذشت ؛ عموماً از تیولناجات امراء و بیگلربیگیان و سلاطین ممالک محروسه و همه سالجات و تنخواه و براتی و سیورغالات و وظایف و اجارات و اقطاعات و معافیات و مسلمیات و احکام منصب وزراء و مستوفیان و کلانتران و محتسبان و محققان (۲۷) ولایات، و احکام بیاضی که از دیوان عدالت بنیان صادر می شد، و احکام التزاماتی که هر کس بر طبق دعوی خود به دیوان اعلی می داد ، و بهر طرف که لازم می آمد ابواب جمع محصلان دیوانی می شد، و حکمی که در ضمن امثله و اخطبه^{۲۸} صدور عظام و حکمی که در عنوان تصدیقات دفتری رسوم مهر داران نوشته می شد ، و دیگر آنچه به دفتر خانه رجوع نداشت از قبیل

۱ - در تذکره (۲۴) آمده : تجار فروش بسیار از اطراف سی آوردند .

شجرات خلیفگان مالک محروسه و فرمانها و نشانها و غیرهم که به مسوده منشی الممالک منشیان قلمی می نمودند ، با مشارالیه است ، و بقلم سرخی و آب طلا مشارالیه به طغراهای مختلف که مخصوص هر حکمی و نشانی و فرمانی بود مزین و محلی می ساخت .

و نامه که به هر یک از پادشاهان ولایات حسب الامر الاعلی مقرر می شد که نوشته شود ، مشارالیه مسوده نموده ، بعد از آنکه در خدمت اقدس خوانده می شد ، و مستحسن رای عالم آرا می گردید ، نامه نویس که یکی از توابع او بود در کمال دقت و اهتمام به خط نستعلیق صرف بسیار خوش بدون آنکه لفظ شکسته داخل کند می نوشت .

و معمول چنین بود که کاغذ هر نامه را از کتابخانه می دادند ، و مذهبیان هر یک را فراخور حال و رتبه و عظمت شأن آن پادشاه موافق قاعده و ضابطه که منشی الممالکان سر رشته آن را داشتند ، و خاطر نشان می کردند ، جدول کشیده تذهیب و تزین و متن نامه را افشان طلا می نمودند ، آنگاه [نامه] نویس شروع به نوشتن او می کرد .

و هر نامه که نوشته می شد ، و به اتمام می رسید ، از قدیم الایام چنین دستور بود که که به جایزه آن انعامی به نامه نویس شفقت می شد .

و مقرب الخاقان مزبور همیشه از مقربان و محرم اسرار نوشتجات پادشاهی بود . و نامه ای که از سلاطین اطراف و اکناف می آمد می بایست او بخواند و جواب بنویسد . و ایلیانی که به دربار گردون مدار می آمدند ، مطالب و مدعیانی که داشتند به وساطت و عرض مقرب الخاقان وزیر اعظم و ولی نعمت عالم به انجام مقرون می گردانید .

و طغراهای آب طلا و سرخی و قرمز و لاجورد که در احکام و فرامین و شجرات و نشانها و نامها و غیرهم به الوان و انواع مختلفه نوشته می شود ، و اختیار القاب هر کس در نوشتجات مزبوره مختص منشی الممالک است ، و به دیگری نسبت ندارد .

و قیمت سی دستچه کاغذ دولت آبادی هر ساله به صیغه کاغذها به جهت تحریر ارقام و احکام و فرامین و غیرهما از وجوهات ضبطی وزیر اصفهان می داده اند .

و توابع او از دارالانشاء بیست و هشت نفر بودند که یک نفر منشی دیوان بوده که سی تومان مواجب همه ساله داشته .

و احکام التزامی که از دیوان بیگیان می گذشت او می نوشت ، و سر رشته جهت احکام و تعلیقات التزامی نگاه می داشت . و یک نفر دیگر به امر نامه نویسی مأمور بود که او نیز سی تومان مواجب همه ساله داشت . و بیست و شش نفر دیگر به نوشتن پروانجات و احکام دفتری که مستوفیان مسوده می نمودند | او | به تصحیح مستوفی الممالک می رسید . و کم و زیاد می نمود ، و احکام دیگر و شجرات و فرامین و نشانها که منشی الممالک مسوده می نمود ، اشتغال داشتند . و رسوم معمولی از هر کس می گرفتند .

و تصدیق و مواجب محرران دارالانشاء ، و اهلیت و قابلیت ایشان به مقرب الخاقان مزبور متعلق است .

و دستور دیگر از قدیم این بود که فتح نامجانی که منشیان حسب الامر الاعلی می نوشتند ، و به صیغه انعام بهر کس داده می شد که به ممالک محروسه برسد ، یکی از آنها مختص منشی الممالک بود که فتح نامه هر ولایت که انتخاب می شد | او | به جهت هر یک از منشیان که پریشان احوال و مستحق انعام بود به خدمت اقدس عرض می کرد ، پادشاه شفقت می فرمود .

و مشارالیه پنجاه تومان تیول داشته ، بر آوردی آن یکصد و پنجاه و سه تومان و هفت هزار و شصت و شانزده دینار می شده . و بر این موجب رسوم حکمی داشته که از مؤدیان می گرفته .

از بابت انعام امراء و مواجب و حق السعی عمال و سیورغال و معافی و اقطاع تمایک و انعام جمعی که ملازم نباشند پنجاه دینار .

از بابت مواجب یکساله امرا و مقربان و آقایان از قرار تومانی هشت دینار و دودانگ .
از بابت اجارات از قرار تومانی هجده دینار و یکدانگ و نیم .

و نه تومان و شش هزار و چهارصد و سی و هشت دینار به صیغه رسم الانشاء همه ساله رسوم داشته که از محل می گرفته .

و همیشه در مجالس تاج بی طومار مندیل پیچیده بسر می گذاشت . لیکن در زمان شاه سلطان حسین طومار شفقت و مقرر شد که تاج و طومار بر سر گذارد .

و در مجلس بهشت آیین طرف دست راست بعد از وزیر حلال می نشست .

فصل نهم مقرب الخاقان مستوفی خلاصه . خدمت مزبور معمول و مستمر نبوده ، چند روزی در زمان یکی از سلاطین سابقه خدمت مزبور را به میرزا هاشم نامی تفویض فرمودند ، و بعد از هفت هشت ماه معلوم شد که تعیین او بی فایده است ، موقوف نمودند . و رقی که به اسم میرزا هاشم مزبور صادر شده به این شرح بود که : چون مستوفیان و کتاب اکثر محاسبات وزراء و تحویلداران و تحصیلداران و ضابطان و متصدیان و غیره را در سنوات مشخص نساخته بودند ، و به علت تأخیر و تفویض محاسبات مبلغانزده مؤدیان مانده ، و از زمان گیتی ستان الی پنج سال قبل از این که سرکار بقایا بوده حسب الواقع مشخص نمی توانند نمود ، و چون دفاتر فهرست منقحی نداشته ، مبلغان نیز باقی رعایاست که بعد از تشخیص جمع و خرج و فهرست دفاتر ظاهری گردد ، و مداخلی که هر سال از قرار تخمین نوشته اند در عرض سال هرگاه تخمین شود که چه مبلغ صرف شده و چه چیز باقیست و سوای آن مقدمات نامشخص ، و در سرکار خرج نیز تیول و همه ساله و تنخواه براتی و حضور و غیبت اسفار و مسترد و جوانی و حسن سعی و تقصیر هر یک از عساکر و نفری ملازمان امراء و مردیسانی و سیور غالات و معافیات را حسب الواقع مشخص نموده است ، و دادوستد دفتری که روز بروز ساج می شود که [بر] مستوفیان [است] و تنخواه عساکر و نوشتن نسخجات ضروریه مثل اختلافات جمیع وزراء و عمال و سایر خدمات دفتری عظام و محرران مشخص سازند ، و هرگاه نسخه مشروحوی طلب شود بنا بر مشاغل عظیمه صورت انجام نمی یافت ؛ بنا بر آن لازم بود که بر جمیع مهمات و معاملات دیوانی به طریق اجمال سر رشته نگاه داشته ، در هر وقف نسخه و کیفیتی که ضرور شود ، یا محرران که به جهت امر مزبور تعیین شده بلا توقف درست داشته ، حسن سعی خود را ظاهر سازند ، بنا بر آن نسخه نوشته تسلیم او و نسخجات جمع و اسناد خرج عمال و غیره مؤدیان حساب و اختلافات جمع و ارقام

واحکام در باب جمع و خرج گذرد، و تصدیقات و قبوض تحویل و وزراء و عمال و سایر اخراجات مستمری و اطلاقی را به خط مشارالیه رسانند که با محرران خود ماه به ماه نسخه برخرج و نفری عساکر موافق ارقام و احکام و تصدیقات و اسنادی که در آن ماه به دفاتر او رسد به طریق تاریخ نوشته حاضر داشته باشد، که هرگاه ضرور شود به نظر رسانند. و در ارقام محرران او که هشت نفر و یکصد و هفتاد و نه تومان مواجب داشته اند قید است که سر رشته مضبوطی را بر مواجب و تیول و همه ساله و انعام و تحصیل قورچیان و تفنگچیان و غلامان و امراء و قوشچیان و آقاییان و یساولان و ارباب قلم و عمله بیوتات و توپچیان عمله توپخانه و غیره عساکر منصوره و سیورغال و انعام و همه ساله و اقطاع تملیکی و وظیفه و تخفیف تصدق و مساعدت و مدد معاش و مقرری و احکام حسانی و احکام تنخواه بگذرد، اسم به اسم نگاه داشته، در هر ماه که ارقام و احکام و تصدیقات و غیره اسناد به ایشان رسد ده روز به ده روز به نوعی که مقرر شده صیغه به صیغه و نفری آنرا تاریخ نگاه داشته، به میزان ماه آورند، و در آخر سال از روی هر دفتر تاریخ کلی به هر صیغه که اگر سهوی در تاریخ ماه شده باشد حسب الواقع عمل نمایند، و نسخجات اخراج و متوفی و مسترد و حضور و غیبت اسفار را حسب الواقع در تحت هر اسم تعرض نموده، نسخجات جمع وزراء و عمال و غیره را به تقدیم رسانند.

و مواجب یکساله مستوفی خلاصه مبلغ یکصد تومان بوده و رسومی در وجه او مقرر نبوده.

فصل دهم مقرب الخاقان قورچی رکاب. شغل مشارالیه آنست که در سفر و حضر و سواریهای پادشاه باید حاضر باشد. و هر وقت که کتلهای خاصه حاضر شود، پادشاه به جهت سواری بیرون آید؛ رکاب اسب پادشاه را به یک دست گرفته، و به دست دیگر پادشاه را سوار کند.

و در مجلس بهشت آیین بعد از محتسب الممالک می نشیند.

و مبلغ [...]]

فصل يازدهم مقرب الخاقان توشمال باشی از جمله مقربان و معتمدانست، و انجام مطبوعات سرکار خاصه شريفه درسفرو حضر از مقرری و اضافه صرف مجالس و خادمان و مهمانان در عهده مشارالیه است که اجزاء آن را از انفس هر ما محتاج یوماً فیوماً به مناسبت از صاحب جمعان بیوتات به دستور مقرر بازیافت نموده، اطعمه را به عمل آورد.

و روزهای مجلس بعد از آنکه طعام خاصه و دیوان را مهیاً و حاضر ساخت، با تاج و طومار به مجلس آمده پهلوی داروغه فراشخانه و آبدار باشی می ایستند. و عمده مطبخ کلهم تا بین مشارالیه اند. و تصدیق حضور و غیبت آنها با مشارالیه است.

و مبلغ نود تومان مواجب دارد که بر آوردی آن سیصد و یازده تومان [است].

از بابت سینه گوسفند و بره گوسفند بیست دینار بر ده دینار.

بابت پوست بره پشم دار و تراشید پنچ رأس ده دینار.

بابت ده نیم ابقیاع منها صد دینار منها چهل دینار رسد مشرف و صاحب جمع، باقی رسد

توشمال باشی، شصت دینار و شیشصد و هفتاد و پنج دینار می شود، بدین موجب فوق رسوم دارد.

باب چهارم در بیان شغل جمعی از عمال و وزراء و کلانتران و غیرهم که لقب مقرب

الخاقان و مقرب الحضرة نداشتند، و مشارالیهم به نحویکه مذکور می شود از جمله مجلس

نشینان و محفل بهشت آیین بودند. و این مشتملست بر شانزده فصل:

فصل اول در بیان شغل وزیر اصفهان. ضبط و داد و ستد وجوهات ضبطی خود

و نسق محال خالصه و تعیین متصدیان و جمع نمودن رعایا و دادن تخم تفاوتی^۱ و مصالح الاملاک

به رعایای خالصه و تنقیه قنوات و عمارات دهکده و مستغلات و خانات و حمامات و باغات

و دکا کین خالصه و توفیر و تکثیر زراعات و آبادی محال و رفع تعدی از رعایا و رسیدن

به دعاوی و گفتگوی ایشان که به امر زراعت و فلاحیت بوده باشد با اوست.

و باید که مشارالیه نظر به صرفه دیوان نموده، آنچه از وجوهات و محصولات

محال را صلاح در اجاره داند به اجاره داده، آنچه را صلاح در ضبط و نسق داند خود

نسق نماید. و وجوهات ضبطی خود را بعد از وضع مستمریات آنچه از دیوان اعلی به اسم مشارالیه حواله شود و آنچه را خود داد و ستد نماید، باید به رقم و مهر مشارالیه مستوفی اصفهان از وجوهات مناسبه تنخواه دهد.

و سایر خدمات لازمه به شغل مزبور استقبال ایلیچیان که وارد دارالسلطنه اصفهان گردند و تعیین منزل و مکان به جهت ایشان و دادن اخراجات یومیه ایشان، بعد از برآورد مهباندار باشی، و رقم وزیر دیوان اعلی، از وجوهات صادر ممالکت، و تدارک و مهیا نمودن سیورسات در منازل متعلق به دارالسلطنه اصفهان در ذهاب و ایاب رایات جاه و جلال، و تدارک مرد برف روب در فصل زمستان به جهت عمارات و بیوتات خاصه شریفه، و تحصیل دایه به جهت شیر دادن شاهزادگان. و گاو شیرده به جهت اهل حرم که ضرور شود، و بازدید محال به صواب دید کلانتر به موجب رضانامچه رعایا و [افراد] هر محل، و تشخیص محاسبات و وجوهات ضبطی خود در آخر سال که مستوفی تنقیح داده، نسخه عمل کرد خود را به رقم عالی جاه و وزیر دیوان اعلی رسانیده، به سرکار خاصه شریفه سپارد که دفتری نمایند.

و چند نفر از ملازمان دیوانی به تائینی وزیر مقرر می‌بودند که به تقدیم خدمات دیوانی قیام می‌نمودند.

و موجب رسوم او بر این موجب است: [موجب رسوم . . .]
و دستور بازدید اینست که وزیر و کلانتر و ریئاع و مساح و سایر مأمورین به اتفاق یکدیگر ملاحظه محصول شتوی و صیفی هر محل نموده اگر صرفه دیوان را در قرار جمع دانند به مبلغ و مقدار معین بازار عین مقاطعه و سند باز یافت نموده، ازان قرار در نسخه بازدید داخل نمایند. و الا از اعلی و اوسط و ادنی محصول شتوی در حضور رعایای هر محل به این دستور ملاحظه نمایند که اعلی را از هر مکان که عمال دیوان انتخاب نمایند و اوسط را به رضای طرفین یکک نی چیده، و علامت گرفته و کوبیده، ثلث آن را مشخص، و تمامی مزروعات شتوی را مساح دیوانی مساحت، و بذر مزروعی سرکار خاصه و رعیت را

مشخص، و بر آورد اکره زار عین و اخراجات معمول صحرا، در هر صورت موافق معمول مملکت و استمرار بر آورد، و ورق باز دید قلمی و همگی مأمورین مهر نموده اند، ازان قرار در نسخه باز دید داخل می نمایند. و بعد از اتمام نسخه را به رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی رسانیده دفتری، از آن قرار مستوفی داد و ستد می نماید.

وزیر مزبور در مجلس بهشت آیین در طرف دست راست بعد از وزیر موقوفات می نشیند.

فصل دوم وزیر سرکار فیض آثار که وزیر موقوفات می نامند. شغل او نسق محال

محال و جمع نمودن رعایا ردادن تخم و مؤنت زراعت و سایر مصالح الاملاک و تکثیر و توفیر زراعت و آبادی محال و داد و ستد وجوهات و تعمیر مستغلات و خانات و حمامات سرکار فیض آثار است. و به تصدیق او و تجویز صادر خاصه بعد از آن که به رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی رسیده باشد، و متصدیان و باغبان باشیان سرکار مزبور که در اصفهان و سایر ولایات ضرور و در کار دارند تعیین، و مواجب داده می شود.

و سوای باغبانان چهل ستون و گل دسته و انگورستان و تالار طویل و آینه خانه و عمارت مابین و بادامستان و باغچه نازنج و خزانه و رکیب خانه که متعلق به ناظر بود که سال ایشان را ملاحظه می نمود، و طومار سان می داد، و تجویز می نمودند بعد از رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی تنخواه و مواجب ایشان از دفتر می گذشت، دیگر سایر باغبانات موقوفات بعد از تجویز باغبان باشی و تصدیق متصدی وزیر مشارالیه به موجب تعلیقه به مهر خود تعیین می نمودند. و بدون نوشته و مهر وزیر سرکار مزبور یک دینار و یک من بار در سرکار مزبور داد و ستد نمی شد.

و هر ساله محصولات محالی که به بذر سرکار فیض آثار زراعت شده بود به اتفق سایر مأمورین امر باز دید موافق دستور و معمول مملکت به شرحی که در تحت وزیر اصفهان نوشته شده، بعد از رقم عالی جاه صدر خاصه و رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی نسخه آن را دفتری، و از آن قرار مستوفی سرکار مزبور داد و ستد می نمود.

و مطالبی که وزیر مزبور در خصوص سرکار مزبور داشت به اطلاع و صواب دید

صدر خاصه به خدمت اقدس عرض ، وبدانچه مقرر می شد معمول می داشت .
 وموجب او از زمان گیتی ستان تا واسط زمان شاه سلطان حسین به عنوان مختلف
 گذشته : وبعده از آن به پنجاه تومان قرار یافت . ورسوم حق القرار وداخل مداخل سرکار
 مزبور گردیده ، به مصارف موقوفات مقرر شد . ودویست و بیست تومان و کسری عوض
 رسوم او از نایب مالوجهات که در سنوات سابقه به سیورغال به سرکار مزبور مقرر بود ،
 در وجه مشارالیه مقرر گردید .

ودر مجلس بهشت آیین سمت دست راست بعد از مستوفی خاصه می نشست .

فصل سیم وزیر حلال اشغل او آن بود که مداخل املاك و مستغلات و غیرهم را
 که از ممر حلال شاه سلطان حسین بهمرسانیده بود از ایتیاعی و احدائی صرف سکنه
 مدرسه ای که در چهارباغ ساخته بود ، و مصارفی دیگر که قرار داده بود ، می نمود . خدمت
 مزبور احدائی زمان شاه سلطان حسین شده بود .

و وجوهات املاك و مستغلات مزبوره حسب الامر نواب خاقان علیین آشیان
 مستوفی خاصه به جهت دیوان ضبط نمود .
 وموجب او مبلغ بود .

در مجلس بهشت آیین طرف دست راست بعد از وزیر اصفهان می نشست .

بقیه در شماره بعد

۱ - دروقفنامه شاه سلطان حسین مورخ ۱۱۲۳ از این منصب یاد شده است (تاریخچه اوقاف اصفهان ص ۲۲۱) .